



بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۱۴

تاریخ: ۱۳۹۹/۱۰/۱۰

درس: خارج فقه پزشکی

موضوع: بررسی اعتبار قول خبیر

استاد: محمد قاضی حفظه الله

الحمد لله و صلى الله على محمد و آله الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم الى يوم الدين

خلاصه جلسه قبل: بحث ما در اعتبار نظرات کارشناسی و آزمایشگاهی پزشکی و ضابطه اعتبار آن بود که گفته شد این مسئله مبتنی بر قاعده اعتبار قول اهل خبره است. و گفته شد که نظرات کارشناسی بر دو قسم است: ۱. نظرات کارشناسی مبتنی بر حس، که اعتبار آن به ملاک شهادت و خبر است ۲. نظرات کارشناسی مبتنی بر حدس، که اعتبار آن به ملاک قول اهل خبره است.

در این مجال ما ناچاریم قاعده اعتبار قول اهل خبره را که منقح در کلمات اصحاب نیست، بررسی کنیم. اگر این قاعده در جایی به عنوان قاعده مستقل بحث می شد، ما به عنوان اصل موضوعی از آن کمک می گرفتیم اما چون این قاعده فقهی است و نیاز به تنقیح دارد، به مقدار ضرورت بحث آن را دنبال می کنیم.

درباره اعتبار قول اهل خبره کلام مرحوم شیخ انصاری را بیان کردیم از این حیث که آیا شروط بینه در قول خبره هم معتبر است یا نه؟ و همچنین کلمات برخی دیگر از بزرگان مانند فرمایش شهید در دروس را بیان کردیم.

بحث در این قاعده باید در دو مقام دنبال شود: ۱. اعتبار قول اهل خبره ۲. بر فرض اعتبار آن، بحث از شروط معتبر در حجیت قول اهل خبره.

فی الجمله تردیدی در اعتبار قول اهل خبره نیست. قطعا در موارد خاص قول اهل خبره حجت است اما ممکن است به دلیل خاص قول اهل خبره در آن موارد خاص حجت باشد نه اینکه حجیت آن علی القاعده باشد. مثلا ممکن است در باب تقلید، قول مجتهد را بر عامی حجت بدانیم از باب نصوص خاصه یا سیره متشرعه خاص، ممکن است نکته اعتبار آن همان بنای عقلا باشد ولی به هر حال دلیل خاص دارد و آن سیره بالخصوص امضا دارد.

بنابراین بحث از موارد خاص حجیت قول اهل خبره لزومی ندارد چرا که ملازمه ای نیست بین حجیت قول خبره در موارد خاص با حجیت مطلق قول اهل خبره. بلکه حجیت در موارد خاص می تواند مؤید قرار گیرد. لذا مهم این است که این قاعده بر اساس عموم، مورد بررسی قرار گیرد.

ظاهر صدر کلام مرحوم شیخ این بود که مطلقا قول اهل خبره معتبر است و در باب تقویم جنس خصوصیتی ندارد و به ملاک عام است اما اعتبار آن مشروط به شروط بینه است. لذا شروط بینه می خواهد رادع سیره علی الاطلاق بر اعتبار قول اهل خبره باشد در سیره تعدد در قول خبره معتبر نیست و عدالت و ذکورت معتبر نیست. اما مرحوم شیخ انصاری فرمودند که ظاهر این است که شروط بینه در قول مقوم معتبر است ولو اینکه ایشان احتمالی را مطرح کردند که شروط معتبر نباشد و قول خبره واحد هم کافی باشد. و اعتبار آن به ملاک خبر در امور حدسی است نه خبر در امور حسی که ظاهر کلام شیخ بود. مرحوم شیخ به عموم دلیل حجیت خبر استناد کردند برای حجیت قول اهل خبره و این عجیب به نظر می رسید چونکه خود مرحوم شیخ در برخی موارد تصریح دارند بر اینکه ادله حجیت خبر، شامل خبر حدسی نمی شود و این را در بحث حکایت اجماع فرموده اند. لذا این کلام، حرف غریبی بود و جا نداشت که مرحوم شیخ این را بفرمایند.



بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۱۴

تاریخ: ۱۳۹۹/۱۰/۱۰

درس: خارج فقه پزشکی

موضوع: بررسی اعتبار قول خبر

استاد: محمد قاضی حفظه الله

در تکمیل این بحث کلام دیگر از مرحوم شیخ نقل می کنیم. ما تا اینجا کلمات اصحاب را در دو باب مطرح کردیم: ۱. باب خیارات (خیار عیب) قول مقوم در بحث تقویم کالا، برای محاسبه ارزش ۲. باب قسمت اموال مشترک که گاهی نیاز به تقویم دارد.

اشاره به اعتبار قول اهل خبره در بحث حجیت قول لغوی

کلام مرحوم شیخ انصاری

مورد سومی که در آن قول اهل خبره و قول مبتنی بر حدس در آن مطرح است، بحث حجیت قول لغوی است که در آنجا حجیت قول خبره مطرح است. در آنجا گفته شده که می تواند حجیت قول لغوی به ملاک رجوع به اهل خبره باشد. در جایی که بر یک معنای لغوی ادعای اجماع شده است، مرحوم شیخ انصاری مطلبی دارند و می فرمایند باید شرائط شهادت وجود داشته باشد (تعدد و عدالت و دیگر شروط). بعد مرحوم شیخ این جهت را دنبال می کنند که کأنه بزرگان شروط بینه را در حجیت قول اهل خبره معتبر می دانند. مرحوم شیخ می فرماید: «و فيه أن المتيقن من هذا الاتفاق هو الرجوع إليهم مع اجتماع شرائط الشهادة من العدد والعدالة ونحو ذلك لا مطلقاً لا تری أن أكثر علمائنا على اعتبار العدالة فيمن يرجع إليه من أهل الرجال بل وبعضهم على اعتبار التعدد والظاهر اتفاقهم على اشتراط التعدد والعدالة في أهل الخبرة في مسألة التقويم وغيرها هذا»^۱ ایشان همه شروط معتبر در بینه را در قول خبره هم معتبر می دانند و کأن می فرمایند رجوع به علمای رجال به ملاک خبره و وثوق است نه به ملاک خبر در حسیات. معروف بین متأخرین مثل مرحوم خوئی این است که رجوع به علمای رجال به ملاک خبر در حسیات است تا جایی که مراسیل ائمه رجال را به مسانید برگردانده اند.

از این عبارت بر می آید تلقی مرحوم شیخ این است که اعتبار قول لغوی به ملاک خبره است چون خیلی از توثیقات و تضعیفات آنها مبتنی بر حدس است و خیلی از قرائن تضعیف و توثیق مبتنی بر حدس است در اینجا مرحوم شیخ می فرماید اعتبار اینها مشروط به شروط بینه است. مرحوم شیخ می فرماید اتفاق نظر دارند بر اینکه در قول مقوم و غیر آن، تعدد و عدالت شرط است. در مکاسب هم مرحوم شیخ فرمودند که قول مقوم مشروط به شروط بینه است. کأنه باب مقوم خصوصیتی نداد و در همه جا قول اهل خبره مشروط به شروط بینه است

کلام مرحوم آخوند

مرحوم آخوند در کفایه در رد استدلال به اجماع برای حجیت قول لغوی، می فرماید: حکایت اجماع در این مسئله اعتباری ندارد خصوصاً در مثل این مسئله که احتمال دارد مستند مجمعین، حجیت قول اهل خبره باشد، که اگر اینگونه باشد، قدر متیقن در حجیت قول اهل خبره، جایی است که قول خبر مفید وثوق یا اطمینان باشد و حجیت قول اهل خبره مثل حجیت قول ثقة، تعبدی نیست.

۱. فرائد الاصول؛ ج ۱؛ ص ۷۵.



بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۱۴

تاریخ: ۱۳۹۹/۱۰/۱۰

درس: خارج فقه پزشکی

موضوع: بررسی اعتبار قول خبر

استاد: محمد قاضی حفظه الله

عبارت مرحوم آخوند به این صورت است:

«و الإجماع المحصل غير حاصل و المنقول منه غير مقبول خصوصا في مثل المسألة مما احتمل قريبا أن يكون وجه ذهاب الجدل لو لا الكل هو اعتقاد أنه مما اتفق عليه العقلاء من الرجوع إلى أهل الخبرة من كل صنعة فيما اختص بها. و المتيقن من ذلك إنما هو فيما إذا كان الرجوع يوجب الوثوق و الاطمئنان و لا يكاد يحصل من قول اللغوي وثوق بالأوضاع بل لا يكون اللغوي من أهل خبرة ذلك»^۱

لذا اگر قول اهل خبره مفید وثوق و اطمینان نباشد، تعدد و عدالت و سایر شروط بینة به درد نمی خورد. این کلام مرحوم مشکینی در تعلیقه بر کفایه که فرموده است: «آنجایی که شروط بینة باشد قول اهل خبره قطعاً اعتبار دارد به دلیل اعتبار بینة» این فرمایش صحیح نیست چراکه بینة مربوط به امر حسی است و شامل امور حدسی نمی شود. بینة شهادت است و بین آقایان معروف است که شهادت متقوم به این است که امر حسی باشد. و اینگونه نیست که اگر اخبار حدسی واجد شروط بینة بود، حجیت آن قطعی باشد و بحث در حجیت آن در جایی باشد که فاقد شروط بینة باشد.

اینکه خواسته اند شروط اعتبار بینة را به حجیت قول اهل خبره تسری بدهند، بحث دیگری است اما حجیت بینة و جیت قول اهل خبره دو مقوله جدا هستند و ربطی به هم ندارند. مثلاً اگر بخواهد شروط بینة را به خبر واحد تسری بدهند باعث نمی شود بینة و خبر واحد از یک مقوله باشند، خبر واحد چیزی غیر از بینة است. لذا ممکن است گفته شود که بینة مشروط به آن شروط، مخصوص به باب قضا است و لذا در موضوعات دیگر اگر بینة بخواهد اعتبار داشته باشد دلیل جدایی می طلبد. و اینکه بینة در باب قضا معتبر است، مستلزم این نیست که علی الاطلاق بینة در سایر موضوعات هم معتبر باشد. بلکه در یک موارد خاص دلیل بر اعتبار بینة داریم حتی در غیر باب قضا مثل هلال. اگر هم در غیر باب قضا، اطلاقی شکل بگیرد، مربوط به امور حسی است نه حدسی.

اینکه قول اهل خبره در موضوعات معتبر است یا نه، یک بحث است و اینکه آیا حجیت قول اهل خبره مشروط به شروط بینة است یا نه، بحث دیگری است. مرحوم آخوند فرمودند ملاک حجیت قول اهل خبره وثوق و اطمینان است حتی اگر شرائط بینة هم باشد باز هم ملاک وثوق و اطمینان است.

کلام صاحب عنایة الاصول

در عنایة الاصول در تعریض به کلام شیخ انصاری اینگونه آمده است: (در آنجایی که مرحوم شیخ فرموده است که متیقن از اتفاق به رجوع به قول لغوی، فرض اجتماع شرائط بینة است)

«أقول بل المتيقن منه أوسع من ذلك قطعاً و هو ما إذا حصل الوثوق و الاطمئنان من قول اللغوي كما سيأتي اعتراف المصنف به في اتفاق العقلاء على الرجوع إلى أهل الخبرة من كل صنعة فيما اختص بها و لا إشكال في ان الاطمئنان حجة كالعلم يتحرك على طبقه و يتمشى على وفقه بل قد يسمى ذلك علماً عادياً و قطعاً مسامحياً.

۱. كفاية الأصول (طبع آل البيت) ؛ ص ۲۸۶.



بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۱۴

تاریخ: ۱۳۹۹/۱۰/۱۰

درس: خارج فقه پزشکی

موضوع: بررسی اعتبار قول خبر

استاد: محمد قائمی حفظه الله

(و وجه الحجية) ان العقلاء قد استقرت سيرتهم على العمل بالاطمينان في عامة أمورهم و لم يردع عنها نبي و لا وصي نبي فيكشف ذلك كله عن إضائها و قبولها و سيأتي لذلك مزيد توضيح في خبر الواحد إن شاء الله تعالى عند التمسك بالسيرة العقلية

(و من هنا يظهر) ان الرجوع إلى قول أهل الرجال أو الخبرة من كل صنعة يكون بمناط الوثوق و الاطمئنان فإن أفادهما أجزأ و كفى من دون حاجة إلى اعتبار التعدد و العدالة لتحقيق البينة و إن كنا نحتاج إليها في مقام القضاء و دفع الخصومات و لا يكاد يكفي فيه مجرد حصول الاطمئنان سواء حصل من قول شاهد واحد أو من قول خبر واحد في التقويم و نحوه ما لم ينضم إليه واحد آخر و كانا عدلين مرضيين جميعاً.^۱

کأنه فهم صاحب عناية الاصول از کلام مرحوم شیخ این است که رجوع به قول رجالی به ملاک خبره است. رجوع به قول اهل خبره به ملاک وثوق و اطمینان است (وثوق و اطمینان دو مفهوم مترادف هستند و فرقی بین این دو احساس نمی شود)

کلام مرحوم حکیم

مرحوم حکیم در تعلیق بر کلام مرحوم آخوند، هر چند آهنگ کلام ایشان توضیح است اما می خواهند اشکال کنند. ایشان در اشکال به کلام مرحوم آخوند (که فرمودند ملاک رجوع به قول خبره، وثوق و اطمینان است) می فرماید:

«(قوله: يوجب الوثوق و الاطمئنان) ينبغي ان يكون المراد بهما النوعيين لا الشخصيين إذ هو الذي استقر عليه بناء العقلاء لو كان كما هو الظاهر»^۲

کلام مرحوم آخوند به این معناست که رجوع به خبره موضوعیت ندارد بلکه وثوق و اطمینان موضوعیت دارد (اطمینان معتبر است نه قول اهل خبره) مرحوم حکیم می فرماید اگر بگوییم ملاک، اطمینان است، باید بگوییم اطمینان نوعی و غالبی مورد نظر است نه اطمینان موردی و شخصی، که نتیجه آن این باشد که قول اهل خبره کلاً از موضوعیت ساقط شود. چون قول اهل خبره نوعاً مفید اطمینان است، معتبر می باشد و مفید اطمینان بودن علت نیست بلکه از قبیل حکمت است. لذا در مواردی که نوعاً مفید اطمینان نباشد، ممکن است بگوییم قول اهل خبره حجت نیست.

مثلاً جایی که ظن به خلاف قول اهل خبره وجود داشته باشد (شهرتی بر خلاف آن باشد) مفید اطمینان نخواهد بود و حجت نمی باشد کما اینکه این بحث در حجیت خبر واحد هم مطرح است و خبری که مثلاً شهرت در مقابل آن وجود دارد مفید وثوق نوعی نیست و معتبر نمی باشد و در خبر، وثوق شخصی ملاک نیست. مرحوم آقای حکیم می فرمایند در قول خبره ملاک، وثوق شخصی و موردی نیست تا حجیت دائر مدار وثوق و اطمینان باشد بلکه ملاک، وثوق و اطمینان نوعی است. در خبر حدسی هم اگر بنا باشد به ملاک وثوق و اطمینان حجت باشد به ملاک اطمینان نوعی است نه اطمینان شخصی.

۱. عناية الأصول في شرح كفاية الأصول ؛ ج ۳ ؛ ص ۱۳۹.

۲. حقائق الأصول ؛ ج ۲ ؛ ص ۹۵.



بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۱۴

تاریخ: ۱۳۹۹/۱۰/۱۰

درس: خارج فقه پزشکی

موضوع: بررسی اعتبار قول خبیر

استاد: محمد قائمی حفظه الله

رجوع اهل یک لغت به لغوی

اینکه آیا قول لغوی مصداق اهل خبره است یا نه، این یک بحث دیگری است. آیا لغوی خبیر به موارد استعمالات است یا خبیر در تشخیص معانی حقیقی از غیر حقیقی؟ این خیلی در بحث ما مدخلیتی ندارد و آن را دنبال نمی‌کنیم. اما یک نکته ای وجود دارد و آن اینکه ممکن است رجوع به لغوی، مشکل دیگری داشته باشد هرچند لغوی اهل خبره هم باشد. ما فرض کردیم لغوی، اهل خبره در معنا باشد و با اعمال حدس معانی را تشخیص می‌دهد نه از باب رجوع به خبر در باب حسیات. البته برخی موارد با هم فرق می‌کنند و ممکن است رجوع به لغوی از باب حس باشد مثلاً آنجای که اهل لغت اتفاق دارند بعید نیست رجوع به آنها به ملاک حسی بودن باشد. معمولاً در امور حدسی زمینه برای اتفاق وجود ندارد چراکه مقدمات انتاج، برای همه به طور یکسان مَنج نیست. در مواردی که اتفاق اهل لغت وجود دارد اطمینان پیدا می‌شود که این مورد از موارد حسیه است. تشخیص معنا بر اساس رجوع به ارتکاز، می‌تواند به ملاک حس باشد. اینگونه نیست که فقط مبتنی بر اعمال حدس باشد.

در غالب موارد لغت، تشخیص معانی هرچند بر اساس مراجعه به ارتکاز است، اما ملازم با این نیست که رجوع به ارتکاز، همه جا نیازمند حدس باشد. و لذا یکی از علائم وضع را تبادر به حساب می‌آورند و تبارد سرعت سبق معنا به ذهن از خزانه نفس است (در حمل ممکن است یک دقت و تأملی وجود داشته باشد که در تبادر نیست و تبادر سبقت گرفتن معناست) و معمولاً حدسی را ضمیمه ندارد و با حسی بودن معنا مناسبت دارد.

به هر حال اینگونه نیست که در همه جا رجوع به اهل لغت مبتنی بر حدس باشد بلکه در غالب موارد می‌تواند از باب رجوع به حسیات، مرجعیت داشته باشد. رجوع به مترجم، رجوع به اهل لغت است و ترجمه مبتنی بر حدس نیست. گرچه در باب قضا که مترجم را مطرح کرده اند، تعدد را معتبر دانسته اند، اما موجبی ندارد و رجوع به مترجم از باب خبر می‌تواند باشد هرچند در باب مرافعات است اما اینطور نیست که در خود ترجمه هم مرافعه‌ای باشد و لذا اکتفای به مترجم واحد بعید نیست.

رجوع به قول لغوی، اولاً: همه جا مبتنی بر حدس نیست بلکه غالباً به ملاک حس است و ثانیاً رجوع به اهل خبره در جایی است که خود آن شخصی که به خبره رجوع می‌کند، خود آن شخص اهل خبره نباشد. علماً اگر چه اهل خبره هستند اما اهل آن لسان اگر بخواهند به علماً رجوع کنند چون خودشان هم اهل خبره هستند، رجوع خبیر به خبیر است. و رجوع اهل لغت به اهل لغت، اعتباری ندارد، چون با عدم اعتبار قول لغوی برای اهل لغت، نه انسداد معظم احکام اتفاق می‌افتد و نه انسداد در معظم لغت اتفاق می‌افتد. چون اهل لغت، جُلّ لغات را دارا هستند. بله رجوع غیر اهل لغت به لغوی امر دیگری است یا به ملاک اخبار در حسیات و یا اخبار در حدسیات. اگر یک فقیه عرب رجوع به لغوی کند از قبیل رجوع خبیر به خبیر است و خلاف بنای عقلا است مگر در مواردی که برای انسان از رجوع به قول لغوی علم و یا اطمینان حاصل شود.

و الحمد لله رب العالمین